



درس، مقدمه، فارسی
موضوع: راه خوشبختی

پایه: هشتم (دوره می اول متوسط)

تهیه کننده: زهرا چهارراهی

دیرستان: ۱۵ خرداد

استان: تهران

منطقه: ۴ تهران



حکیم سخن در زبان آفرین

به نام خداوند جان آفرین

پیام درس: توکل به خدا، استفاده از تجربیات افراد با تجربه و برنامه ریزی برای زندگی بهتر، راه رسیدن به خوشبختی است.

لحن درس: لحن تعلیمی

«شکسپیر» می گوید: «روزگار دریایی ^{مشبه} ^{مشبه به} است که کشتی زندگانی ^{اضافه ی تشبیهی} ما بر روی آن به سوی ساحل مقصود می رود. ^{اضافه ی تشبیهی} این دریای بزرگ، همیشه در جزر و مد ^{تضاد} است. اگر امروز آرام باشد، مسئلاً فردا توفانی خواهد شد; ^{تضاد} ^{استعاره از روزگار} بنابراین وقتی آرام است، فرصت را غنیمت ^{بهره بردن} بشمارید. بسیار ^{چه بسیار} اشخاص که در نتیجه غفلت از گذر ^{عبور، گذشتن} عمر استفاده نکردند و به اعماق این دریا ^{جمع عمق، ته، ژرف}

جزر و مد: پایین رفتن و بالا آمدن آب دریا (استعاره از پستی و بلندی روزگار)

فرو رفتند. (کنایه از نابود شدن)

راه خوشبختی



مراعات نظیر (گذشته، حال، آینده)

«گذشته» رفته و «آینده» نیامده است؛ بنابراین شما جز «حال» چیزی ندارید.

تضاد

فقط امروز در اختیار شماست. بخرید و برای کار آماده باشید و از هیچ چیز بیم ^{ترس} ندارید؛

تاب و حمل داشته باشید. همیشه در کارها چنان باشید که گویا فردایی نخواهد بود. کاری

متراپف

را که امروز شروع می‌کنید، قسمتی از آن را به پایان می‌رسانید ولی اگر برای فردا

توانایی، تحمل

بگذارید، ممکن است اصلاً فردا را نبینید.

راه خوشبختی



این گفتار را در خاطر داشته باشید: «ای کسی که دوره نوجوانی را میگذرانی و صفت اشاره هسته ذهن حرف ندا منادا زیاده روی، شدت

از فرط غرور کمان می‌کنی روزگار درازی در پیش داری، حساب کار خود را داشته نابود، ضایع وجه شبه مشبه ادات مشبه به

باش که روزگار چون باد و ابر، نایابدار و لذراست. عمر خود را تلف مکن. در وقت خویش صرفه جویی کن. قدر امروز را بدان و کار امروز را به فردا میفکن». ارزش تضاد

راه خوشبختی



شاد، خوشحال جمع برکت، بسیاری نعمت
شما فقط امروز را دارید؛ اگر مسرور هستید، از برکات آن استفاده کنید و اگر غمگین
کار خود را به خدا واگذار کردن
هستید، با صبر و تحمل و توکل به خدا و امید به فردایی روشن، بار غم را به دوش بکشید. اهمیت
زندگی به شمار روزها و شبها نیست، بلکه مربوط به اعمال و افعال ماست؛ کسی
جمع وقت که اوقات خود را به کارهای ناشایسته میگذراند، چنان است که زندگانی خویش را
جمع عمل، کارها جمع فعل، کارها

بار غم را به دوش کشیدن کنایه از تحمل کردن

تلف کرده باشد.

فکر کردن اندیشیدن

شتابان

لازم نیست در کارها عجول باشید؛ یعنی نباید بدون تفکر و تأمل به کاری اقدام کنید ولی همین که تصمیم گرفتید کاری را انجام دهید، بلافاصله شروع کنید و تعلل مترادف بها نه آوردن جایز ضرب المثل روا مدارید؛ کار امروز را به فردا می‌فکنید که جز پشیمانی سودی ندارد. باید برنامه خود را صفت مبهم هسته چنان مرتب کنیم که در هر ساعتی، کار معینی داشته باشیم و به انجام آن کار پردازیم و گرنه مقدار زیادی وقت ما بی‌هوده تلف می‌شود.

مراعات نظیر (نوجوانان، جوانان، نشاط، شتاب، اضطراب)

شادی عجله

نشاط و شتاب و اضطراب از ویژگی‌های نوجوانان و جوانان است؛ زیرا
کنایه (از سختی‌های روزگار خبر ندارند) **دل‌نگرانی**

هنوز با زندگی چنان‌که باید آشنا نشده‌اند و از سرد و گرم روزگار خبری ندارند.

کج شده از راه راست

تضاد

اگر کسی آنها را در راه زندگی راهنمایی نکند، ممکن است از راه راست مخرف شوند.

وقار، استوار بودن

برعکس، اگر عقل و متانت را شعار خود کنند و پیران سال خورده را که عمر درازتر

صفت بیانی

هسته

کنایه (راه و روش خود قرار دهند)

راه خوشبختی



صفت بیانی

هسته

صفت اشاره

رهبر، راهنما

و تجربه بیشتر دارند، در این راه پر خوف و خطر راهبر خود قرار دهند، زندگی را به راحت و

تسک، بیم

آسایش خواهند گذرانید و ممکن است در ایام پیری بتوانند برای دیگران کارهای مفیدی

جمع یوم، روزها

انجام دهند.

کارهایی که ما می‌کنیم، فقط مربوط به خودمان نیست؛ بلکه به آیندگان نیز ارتباط دارد.

بها نه آوردن کنایه (از بین بردن حق دیگران)

به این جهت اگر در انجام وظایف خود تعلل کنیم، حق آنها را پایمال کرده ایم. وقت ما

جمع کائنات، موجودات
در سلسله کائنات جای مخصوص دارد و باید آن را برای کارهای مفید صرف کنیم و گرنه
نظام آفرینش را به هم زده ایم و خطای بزرگی مرتکب شده ایم. **اشتباه**
این یکی از عادات ماست که هرچه را داریم، پاس نمی داریم و همین که از دست **جمع عادت**
رفت، متوجه خطای خود می شویم. انگشت ندامت به دندان می گزیم و سودی نمی بریم. **پشیمانی**

کنایه از حسرت خوردن

بنابراین، همیشه باید به خاطر داشته باشیم که وقت، عزیز و گران بهاست. از تلف کردن
افسوس، دریغ پشیمانی نتیجه ارزشمند از بین بردن
آن جز حسرت و ندامت مری نخواهیم برد.

روزهایکی پس از دیگری، از پی هم میگذرند و همین که سپری شدند، باز آوردنشان
محال است؛ غیر ممکن از گذشته درس بگیریم، حال را آگاهانه بگذرانیم و به آینده امیدوار باشیم.
مراعات نظیر (گذشته، حال، آینده)

در جست و جوی خوشبختی



کتابی است نوشته ی لرد آویوری ، نویسنده ی معروف انگلیسی که در توصیف طبیعت و احساسات انسانی، بسیار چیره دست بود.

این کتاب ترجمه ی ابولقاسم پاینده است و در هفده فصل نگاشته شده است و نویسنده در آن به موضوعاتی مانند : خوش بختی ، امید و ترییت و ... پرداخته است .



از نویسندگان چیره دست معاصر که در داستان نویسی
و ترجمه، آثار گوناگونی پدید آورده است.
مهم ترین اثر او ترجمه ی ((قرآن مجید)) است.



۱ شکسپیر، روزگار را به چه چیزی تشبیه کرده است؟

به دریایی که کشتی زندگی ما بر روی آن به سوی ساحل
مقصود در حال حرکت است. این دریا گاهی آرام و گاهی
توفانی است .



۲ این بیت حافظ با کدام قسمت درس، ارتباط دارد؟

نصیحت گوش کن جانا که از جان دوست تر دارند جوانان سعادت مند پند پیر دانا را

اگر عقل و متانت را شعار خود کنند و پیران سال خورده را که عمر دراز تر

و تجربه ی بیشتر دارند، در این راه پر خوف و خطر راهبر خود قرار دهند،

زندگی را به راحت و آسایش خواهند گذرانید.



۳ به نظر شما، راه رسیدن به خوشبختی چیست؟

توکل به خدا، داشتن هدف، داشتن برنامه، استفاده از

تجربه ی دیگران، استفاده از زمان حال، تلاش و پیگیری

و ...



.....



به این جمله‌ها توجه کنید:

تَوَاضَعُوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ الْعِلْمَ (امام صادق علیه السلام)

نسبت به کسی که از او علم می‌آموزید، فروتنی کنید.

همان‌گونه که می‌بینید، در ترجمهٔ جملهٔ عربی به فارسی، فعل در آخر جملهٔ ترجمه شده

آمده است. اکنون به این جمله‌ها توجه کنید:

I like my teacher.

من معلمم را دوست دارم.

در ترجمهٔ جملهٔ انگلیسی، فعل جملهٔ ترجمه شده، در کجا قرار گرفته است؟

جای اجزای جمله در زبان‌های مختلف یکسان نیست. مترجمان هنگام ترجمه به این

نکتهٔ مهم توجه می‌کنند.

فعّالیت‌های نوشتاری



۱ در متن درس، واژه‌هایی را که نشانهٔ تنوین دارند، بیابید و بنویسید. **مسلماً - اصلاً**

۲ در هر یک از جمله‌های زیر، وابسته‌های اسم را بیابید و نوع هر یک را مشخص کنید.

صفت اشاره هسته صفت بیانی

الف) این دریای بزرگ، همیشه در جزر و مد است.

صفت تعجبی هسته صفت بیانی

ب) به آسمان پر ستاره بنگر، تا بینی چه خلقت شگفت‌انگیزی است.

هسته صفت بیانی

پ) از هیچ چیز، بیم مدارید، تاب و تحمل سختی‌ها را داشته باشید.

صفت مبهم هسته

هسته مضاف الیه



فعّالیت‌های نوشتاری

۳ جدول زیر را کامل کنید.

مفرد	عمل	فعل	وقت	فاصله	برکت	عقل	وظیفه
جمع	اعمال	افعال	اوقات	فواصل	برکات	عقول	وظایف

۴ جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

■ رأسُ الايمانِ الإحسانُ إلى الناسِ **بالاترین درجه ایمان، نیکی کردن به مردم است.**

■ I am a student. I live in . . . **من یک دانش آموز هستم. من در . . . زندگی می‌کنم.**

■ I like my books and read them every day.

من کتابهایم را دوست دارم. و هر روز آنها را می‌خوانم.

نوع نشر: ساده و روان

این داستان از کتاب ((هفده داستان کوتاه کوتاه)) می باشد.
این کتاب ترجمه ی سارا طهرانیان است. که هفده داستان کوتاه کوتاه از نویسندگان ناشناس جهان را دربردارد.



روان خوانی

آن سوی پنجره

در بیمارستانی، دو مرد بیمار در یک اتاق بستری بودند. یکی از بیماران اجازه داشت که هر روز بعدازظهر یک ساعت روی تختش بنشیند. تخت او در کنار تنها پنجره اتاق بود اما بیمار دیگر مجبور بود هیچ تکانی نخورد و همیشه پشت به هم اتاقی اش روی تخت بخوابد. آنها ساعت ها با یکدیگر گفت و گو می کردند: از خاطرات خانواده، خانه، سرپازی یا تعطیلاتشان با هم حرف می زدند.

هر روز بعدازظهر، بیماری که تختش کنار پنجره بود، می نشست و تمام چیزهایی را که بیرون از پنجره می دید، با شور و احساس و بیانی صمیمی برای هم اتاقی اش توصیف می کرد. بیمار دیگر در مدت این یک ساعت، با شنیدن حال و هوای دنیای بیرون، جانی تازه می گرفت.

- ۱: کهن : قدیمی ۲: افق : کران
- ۳: معنای عبارت: مردی که در کنار پنجره بود
آن چنان عاشق و شیفته ی بیرون شده بود که
روحش مانند پرنده ای در آرزوی رسیدن به آن
طرف پنجره پرواز کرده بود.
- ۴: دل باخته بودن کنایه از عاشق و علاقه مند
بودن
- ۵: مرغ روحش : (اضافه ی تشبیهی)
- ☆ مرغ روحش پر کشید : کنایه از مرد
- ۶: رضایت : خشنودی
- ۷: مواجه شد : روبرو شد
- ۸: حیرت : شگفتی ، ناباوری

این پنجره، رو به یک بوستان بود که دریاچهٔ زیبایی داشت. مرغابی‌ها و قوها در دریاچه شنا می‌کردند و کودکان با قایق‌های تفریحی‌شان در آب سرگرم بودند. درختان کهن، به منظرهٔ بیرون، زیبایی خاصی بخشیده بودند و تصویری زیبا از شهر در افق دور دست دیده می‌شد. همان طور که مرد کنار پنجره این جزئیات را توصیف می‌کرد، هم اتاقی‌اش چشمانش را می‌بست و در ذهن خود به تماشای زیبایی‌های آن مناظر دل‌انگیز می‌پرداخت.

روزها و هفته‌ها این چنین سپری شد؛ اما صبح یک روز، هنگامی که پرستار برای مراقبت وارد اتاق آنها شد، ناگهان منظره‌ای شگفت را دید. حادثه برایش سنگین بود و پذیرش آن دشوار. آری، مرد کنار پنجره آن چنان به فضای بیرون دل باخته بود که مرغ روحش به هوای آن سوی پنجره پرکشیده و رفته بود!

مرد دیگر از پرستار خواهش کرد که تختش را به کنار پنجره منتقل کند. پرستار این کار را با رضایت انجام داد و پس از اطمینان از راحتی مرد، اتاق را ترک کرد.

آی مرد به آرامی و با درد بسیار، خود را به سمت پنجره کشاند تا اولین نگاهش را به دنیای زیبای بیرون از پنجره بیندازد. بالأخره زمانی فرا رسید که او می‌توانست این دنیا را با چشمان خود ببیند.

در عین ناباوری، او با یک دیوار مواجه شد!
مرد، پرستار را صدا زد و با حیرت پرسید چه چیزی هم‌اتاقی‌اش را وادار می‌کرده است که چنین مناظر دل‌انگیزی را هر روز برای او توصیف کند؟

پرستار پاسخ داد: «شاید او می‌خواست با این کارش به تو قوت قلب بدهد و امید به زندگی را در دلت زنده نگه دارد. آن مرد اصلاً نابینا بود و حتی نمی‌توانست دیوار را ببیند.»



شاد و تندرست باشید

همراهی



نیایش

فارسی پایه ی هشتم (دوره ی متوسطه ی اول)

تهیه کننده: زهرا چهارراهی

دیرستان: ۱۵ خرداد

منطقه: ۴ تهران

استان: تهران



ای نام تو بهترین سرآغاز



الهی

نیایش

قالب شعر : مثنوی

قافیه

مرا بنا به سوی خویش راهی
رحمی بنا که جا گیرم به کویت
رفیق لطف بی اندازه ام کن
که از غفلت مانند در سرم خواب
شفیع آخرت، خیرا لبشر کن

قافیه

الهی، جانب من کن نگاهی
نگاهی کن که رو آرم به سویت
به ذکر خود، بلند آوازه ام کن
پیشان از وضو بر رویم آن آب
به چشم مرحمت سویم نظر کن

وحشی بافقی

الهی

تیاییش

(۳ جمله)

نشان بده

الهی، / جانب من کن نگاهمی /
را بنا به سوی خویش راهمی /
مفعول

منادا

معنی بیت: خدایا مرا مورد لطف خودت قرار بده و مرا به سوی خودت هدایت کن.

آرایه ی بیت: ۱: جانب من کن نگاهمی کنایه از توجه کردن

نگاهی کن / که رو آرم به سویت / ^{بیاورم}
 رهی بنا / که جا گیرم به کویت ^{کوچه، خیابان} (۴ جمله)

معنی بیت: خدایا به من توجه کن تا به سوی تو بیایم، و راهی را به من نشان بده تا در درگاه تو جایگاهی داشته باشم.

آرایه های بیت: ۱: نگاهی کن کنایه از توجه کردن

۲: جناس: سویت و کویت

۳: جاگیرم کنایه از قرار گرفتن

الهی

تیایش

مفعول

معروف، مشهور

به ذکر خود، بلند آواز ام کن

مفعول

همراه

رفیق

لطف

بی اندازه ام کن

محبت، مهربانی

(۲ جمله)

معنی بیت: مرا با به یاد کردن خودت، نامدار و مشهور کن و لطف و محبت بی اندازه ات را همراه من گردان.

پیشان از وضو بر رویم آن آب ^{صفت اشاره} هسته ^{مفعول} که از غفلت ماند در سرم خواب ^{مضاف الیه} (۲ جمله)

معنی بیت: با وضو، آبی را به صورت م بزن که تمام غفلت و بی خبری را از من دور کند.

آرایه های بیت: ۱: مراعات نظیر: آب، وضو

۲: جناس: بر و سر

۳: خواب در سر نماد کنایه از بیدار شدن از غفلت و بی خبری

بِچشمِ لطف و مهربانی نگاه کن
 بِچشمِ مرحمت سویم نظر کن
 شفاعت کننده
 بهترین انسان
 خیرالبشر کن (۲ جمله)

معنی بیت: با چشم لطف و مهربانی به من نگاه کن و حضرت محمد (ص) را که بهترین انسان هاست، شفاعت کننده ی من در روز قیامت قرار بده.

- آرایه های بیت: ۱: به کسی نظر کردن کنایه از توجه بسیار به کسی کردن است.
 ۲: خیرالبشر کنایه از حضرت محمد (ص) است.
 ۳: واج آرایه حرف "ش"

وحشی بافقی

کمال الدین وحشی بافقی در اواخر عهد شاه اسماعیل صفوی در قصبه بافق در ۲۴ فرسنگی یزد به دنیا آمد. سپس به یزد آمد و بیشتر عمر خود را در آنجا گذراند.

از آثار او می توان به «فرهاد و شیرین»، «ناظر و منظور»، «خلد برین» اشاره کرد.



شاد و تندرست باشید

په همراهی



خدا یا چنان کن سرانجام کار

تو خوشود باشی و ما رسنگار